

۶۰ عمل کفری در قرآن

ضمن مطالعات و تتبعات پیرامون انواع نظر و تصور و تحقیق و ملاحظه که پیرامون مفهوم ها و برداشت ها از واژه های « کفر و کافر » وجود داشته است و وجود دارد ؛ به تبویب و تصنیف جالبی در انترنیت برخوردیم و به دلایل زیاد آنرا همانند یک الگوی چندین منظوره برگزیدیم .

این تبویب و تصنیف منجمله در درون کشور خود ما و توسط یک مرجع معتبر دینی ی خود مان انجام گرفته است ؛ گرچه نویسنده متن آن به زبان ملی و شیرین پشتو یک نفر است ؛ اما کار جمعی و سیستماتیک در ورای آن هویداست . از شانس خوب سلاست و روانی ی متن به حدی است که هیچ لزومی ندارد ؛ به دری ترجمه شود . من با دقت حداکثر مقدور تمام آیات قرآنی را که درین کار مهم طرف اشاره میباشد ؛ از قرآن شریف بیرون آورده و در جاهای لازم قرار داده ام و چنانکه میتود معلوم کار ما ایجاب میکند ؛ سلیس ترین و فهماترین ترجمه آیات به زبان پارسی درسی را ذیل هر آیه مبارکه قرار داده ام . بدینگونه ما کاملترین مجموعه از انواع اعمالی را در اختیار داریم که در قرآن کریم «کفر» تلقی می شود و انواع کسانی را که در اسلام و قبل از اسلام « کافر» خوانده می شده اند .

اطفاً به دقت باری بر متن و آیات مربوط و ترجمه آن ها توجه فرمائید :

**په قران کریم کی د کفر شپيته کارونه ذکر شوي بايد ځان
ترینه وساتو**

راتولونکی : محب الله (برکت)

مدرسه تعلیم القرآن والسنة - جلال آباد

1 - سحر د کفر کار دی. دلیل سورة بقره ۱۰۲ ایه

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲)

و آنچه را که شیطان [صفت] ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت] ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوید و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان الله نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد ؛ و ه که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند (۱۰۲)

۲- د الله په ربوبیت کی او د نظام په چلولو کی بحثونه او جنگونه کول کفر دی. سورة بقره ۲۵۸ ایه

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۵۸)

آیا از (حال) آن کس که چون الله به او پادشاهی داده بود (و بدان می‌نازید، و) در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجه (می) کرد، خبر نیافتی؟ آنکاه که ابراهیم گفت: (پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.) گفت: (من) (هم) زنده می‌کنم و (هم) می‌میرانم.) ابراهیم گفت: (خدا (ی من) خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور.) پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و [گوی] الله قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۲۵۸)

۲- د حج نه انکار کول او حج قصداً پرېښودل کفر دی . سورة ال عمران ۱۹۷ ایه

الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٍ وَلَا فَسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج در ماه های معینی است پس هر کس در این [ماه] ها حج را [برخود] واجب گرداند [بداند که] در اثنای حج همبستری و گناه و جدال [روا] نیست و هر کار نیکی انجام می‌دهید الله آن را می‌داند و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من [الله] پروا کنید (۱۹۷)

۴ - اعتراض کول په نبی باندې. سورة بقره ۱۰۸ اية

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۰۸)

آیا می‌خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد و هر کس کفر را با ایمان عوض کند مسلماً از راه درست گمراه شده است (۱۰۸)

۵ - عقیده د تثلیث چي الهه او معبودان درې گني لکه نصارا چي عیسی ، مریم او الله درې واره معبود گني . سورة المائدة ۷۳ اية

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)

کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند الله سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است قطعاً کافر شده‌اند و حال آنکه هیچ معبودی جز اله یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید (۷۳)

۶ - مرتد کيدل چي د دين اسلام خخه انسان بل دين ته لارشي . سورة النخل ۱۲۰ اية

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰)

به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع الله [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود (۱۲۰)

۷ - چه الله يو چاته نجات ورکړي او د نجات ورکولو خخه وروسته د نجات ورکولو نسبت غير الله ته کوي . سورة بني اسرائيل ۶۹ اية

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (۶۹)

یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به سزای آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند آنگاه برای خود در برابر ما [الله] کسی را نیابید که آن را دنبال کند (۶۹)

۸ - په توحید او دعا باندې خفه کیدل . سورة المومن ۱۲ ایه

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲)

و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم (۱۲)

۹ - د پیغمبر د وحی څخه انکار کول . سورة ابراهیم ۹ ایه

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَقْوَاهُمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۹)

آیا خبر کسانۍ که پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند [و] کسی جز الله از آنان آگاهی ندارد به شما نرسیده است فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند ولی آنان دستهایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهان هایشان نهادند و گفتند ما به آنچه شما بدان ماموریت دارید کافریم و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم (۹)

۱۰ - په قران کریم باندې اعتراض کول . سورة بقره ۲۶ ایه

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

الله را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند ؛ شرم نیاید . پس کسانۍ که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانۍ که به کفر گرايیده‌اند می‌گویند الله از این مثل چه قصد داشته است [الله - گویا] بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند و [لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند (۲۶)

۱۱ - خفگان په نزول د وحی باندې چې دا وحی او قران په محمد(ص) باندې ولي نازل شوی دی . سورة بقره ۱۷۵ ایه

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (۱۷۵)

آنان همان کسانۍ هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت و عذاب را به [ازای] آمرزش خریدند پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکیبا باشند (۱۷۵)

۱۲ - شکی الفاظ او غلطی معنی والا الفاظ دانج کول . سورة بقره ۱۰۴ ایه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید راعنا و بگویید انظرنا و [این توصیه را] بشنوید و [اگر نه] کافران را عذابی دردناک است (١٠٤)

د مشرانو او پلرونو طریقی پسې تلل په مقابل د شریعت کې . سورة بقره ۱۷۱

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بَعْضٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (١٧١)
و مثل [دعوت‌کننده] کافران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم چیزی] نمی‌شنود بانگ می‌زند [آری] کنند لالند کورند [و] در نمی‌یابند (١٧١)

۱۴- شرک کول په ټولو اقسامو سره. سورة ال عمران ۱۵۱ اية

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانٌ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (١٥١)

به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند بیم خواهیم افکند زیرا چیزی را با الله شریک گردانیده‌اند که بر [حقانیت] آن [الله] دلیلی نازل نکرده است و جایگاه‌شان آتش است و جایگاه ستمگران چه زشت است (١٥١)

۱۵ - منافقت کول لکه خلک د جهاد خحه منع کول. سورة ال عمران ۱۵۶ اية

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غَزَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١٥٦)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و] در سفر مردند [و یا جهادگر شدند [و کشته شدند] گفتند اگر نزد ما [مانده] بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند [شما چنین سخنانی مگویید] تا الله آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد و الله [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند والله [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست (١٥٦)

۱۶- د کفر په لاره کې جنګ کول . سورة نساء ۱۵۶ اية

وَيَكْفُرْهُمْ وَقَوْلُهُمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (١٥٦)

و [نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند (١٥٦)

۱۷- مومنانو باندی حملی کول . سورة نساء ۱۷۲ ایه

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲)

مسیح از اینکه بنده الله باشد هرگز ابا نمی‌ورزد و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند] و هر کس از پرستش او [الله] امتناع ورزد و بزرگی فروشد به زودی [الله] همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد (۱۷۲)

۱۸- په الله (ج) باندی دروغ جوړول. سورة المائدة ۱۰۳ ایه

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

الله [چیزهای از قبیل] بحیره و سائبه و وصیله و حام [شترهای ویژه را برای قربانی به خود بر شما] ممنوع قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیدند بر الله دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند (۱۰۳)

۱۹- د عیسی (علیه السلام) معجزاتو ته سحر او جادو ویل . سورة المائدة ۱۱۰ ایه

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِأَذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأَذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جُنَّتْهُمْ بِالْبَيْتَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۱۱۰)

[یاد کن] هنگامی را که الله فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح القدس تایید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی پس در آن می‌دمیدی و به اذن من پرنده‌ای می‌شد و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی‌اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجت های آشکار آورده بودی از تو باز داشتیم پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست (۱۱۰)

۲۰- مخلوق د رب سره برابرول په علم غیب په برکتونو او فیصلو کې . سورة الانعام ۲ ایه

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

اوست کسی که شما را از گل آفرید آنگاه مدتی را [برای شما عمر] مقرر داشت و ا جل حتمی نزد اوست با این همه [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می‌کنید (۲)

۲۱- قران کریم په زړو قيصو نسبت کول . سورة الانعام ۲۵ اية

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند و [لی - گویی] ما بر دل هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار داده‌ایم] و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۲۵)

۲۲ - خلک منع کول چي د توحيد او قران په لاره کي مال مه لگوئ. سورة انفال ۳۶

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (۳۶)

بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه الله بازدارند پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می‌شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد (۳۶)

د کافرو سره مشابهت کول په دې خبره باندې چي هغوی هم وایي چي الله نایب او وزیر لري. سورة توبه ۱۳۰ اية (سوره ۱۲۹ آیه است!)

۲۴- حلالی میاشتی حرامو ته اړول او حرامی میاشتی حلالو ته اړول او تاوان یې دادی چي د حلالو نه حرام جوړیږی . سورة توبه ۳۷ اية

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلِلُونَ عَمَّا وَبَحَرَّمُوا عَمَّا لِيُؤْاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحْلِلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۳۷)

جز این نیست که جابجا کردن [ماه های حرام] فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند آن را یکسال حلال می‌شمارند و یکسال [دیگر] آن را حرام می‌دانند تا با شماره ماه هایی که الله حرام کرده است موافق سازند و در نتیجه آنچه را الله حرام کرده [بر خود] حلال گردانند زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است و [گویی] الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند (۳۷)

۲۵- درسول او اخري نبي (ص) نه انكار كول . سورة رعد ۴۳ اية

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

و کسانى که کافر شدند مى‌گویند تو فرستاده نیستى بگو کافى است الله و آن که نزد او علم کتاب است ؛ میان من و شما گواه باشد (۴۳)

۲۶- پیغمبران شریل او د الله استازی شریل د وطن او ملک نه. سورة ابراهيم ۱۳ اية

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

و کسانى که کافر شدند به پیامبرانشان گفتند شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتما ستمگران را هلاک خواهیم کرد (۱۳)

۲۷- په گناهونو کې په بدعاتو ناروا کارونو خرافاتو کې لکه ته ورته د الله دین او توحید وړاندې کوى او هغه درته کفر وړاندې کوي. سورة كهف ۵۶ اية

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (۵۶)

و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم و کسانى که کافر شده‌اند به باطل مجادله مى‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند و نشانه‌های من و آنچه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند (۵۶)

۲۸- نیکان، خلک ، پیغمبران او ملايکي الله کښل. سورة كهف ۱۰۲ اية

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۰۲)

آيا کسانى که کفر ورزيده‌اند پنداشته‌اند که [مى‌توانند] به جای من بندگانم را سرپرست بگیرند ما جهنم را آماده کرده‌ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد (۱۰۲)

۲۹ د قرانکریم په بیان کې د قرانکریم په دعوت باندي غصه کيدل. سورة الحج ۷۲

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٌ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِّنْ دَلِكُمُ النَّارُ وَعَذَابُ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَنَسُ الْمَصِيرُ (۷۲)

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود در چهره کسانی که کفر ورزیده‌اند [اثر] انکار را تشخیص می‌دهی چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را برایشان تلاوت می‌کنند حمله‌ور شوند بگو آیا شما را به بدتر از این خبر دهم [همان] آتش است که الله آن را به کسانی که کفر ورزیده‌اند وعده داده و چه بد سرانجامی است (۷۲)

۳۰ - قرآن کریم په دروغ نسبت چې دا دروغ دي . سورة الفرقان ۴ اية

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا فُتْكُ افْتِرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۴)

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند این [کتاب] جز دروغی که آن را بر یافته [چیزی] نیست و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده‌اند و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند (۴)

۳۱ - دوباره ژوند نه انکار کول د قیامت دورخي نه انکار کول. سورة نمل ۶۷ اية

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنِنَّا لَمُخْرَجُونَ (۶۷)

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم آیا حتماً [زنده از گور] بیرون آورده می‌شویم (۶۷)

۳۲ - مومنانو ته د کفر بلنه ور کول . سورة عنکبت ۱۲ اية

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲)

و کسانی که کافر شده‌اند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما و [لی] چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت قطعاً آنان دروغ‌گویانند (۱۲)

۳۳ - د نازل شوو کتابونو څخه انکار کول. سورة سباء ۳۱ اية

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

و کسانی که کافر شدند گفتند نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است هرگز ایمان نخواهیم آورد و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند می‌دید [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفتگو می‌کنند کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند می‌گویند اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم (۳۱)

۳۴ - مومنان او کفار په عقیده کې سره یو شان گڼل. سورة ص ۲۷ اية

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (٢٧)

و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم این گمان کسانی است که کافر شده [و حق پوشی کرده] اند پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده اند (٢٧)

۳۵- د الله په کتابونو کې د الله په معجزاتو کې او الله په کارونو کې بحث کول. سورة مومنین ۴ ایه

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (٤)

و آنان که زکات می پردازند (٤)

۳۶- خلک منع کول د اوریدلو د قران نه. سورة حم سجده ۳۶ ایه (سوره ۳۰ آیه دارد)

۳۷- ځان د صاحبو نه غوره گڼل. سورة الاحقاف (چنین آیتی وجود ندارد)

۳۸- ځان مشغول کول د دنیا په اسبابو کې. سورة محمد ۱۲ ایه

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (١٢)

الله کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغ هایی که از زیر [درختان] آن ها نهرها روان است در می آورد و [حال آنکه] کسانی که کافر شده اند [در ظاهر] بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند می خورند و [لی] جایگاه آن ها آتش است (١٢)

۳۹- جهالت باندې غیرت کول یعنی د قران او حدیث په ضد غیرت کول. سورة فتح ۲۶ ایه

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (٢٦)

آنگاه که کافران در دل های خود تعصب [آن هم] تعصب جاهلیت ورزیدند پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته [اتصاف به] آن بودند و الله همواره بر هر چیزی داناست (٢٦)

۴۰ - مومنان باندې د غوصې سترگې راويستل . سورة القلم ۵۱ ایه

وَأِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِفُونَكَ أَبْصَارُهُمْ لِمَا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (٥١)

و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می‌گفتند او واقعا دیوانه‌ای است (۵۱)

۴۱- په رسولانو کې تفرقه کول بعضی منل بعضی نه منل. سورة نساء ۱۵۰ ایه

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰)

کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان الله و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند (۱۵۰)

۴۲- ایمان لرل په هغه معبودانو باندې چې باطل دي. سورة نحل ۷۲ ایه

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (۷۲)

و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الله کفر می‌ورزند (۷۲)

۴۳- ملایکو ته د الله مرتبې ورکول. سورة ال عمران ۸۰ ایه

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۸۰)

و [نیز] شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید آیا پس از آنکه سر به فرمان [الله] نهاده‌اید [باز] شما را به کفر وامی‌دارد (۸۰)

۴۴- په مریم بی بی باندې د زنا تور لگول. سورة نساء ۱۵۶ ایه

وَبُكَرْهُمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

[نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند (۱۵۶)

۴۵- د قران او حدیث نه بغیر فیصله کول د انسان دلاس څخه جوړ شوي قانون باندې فیصله کول. سورة المایده ۴۴ ایه

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (٤٤)

ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم پیامبرانی که تسلیم [فرمان الله] بودند به موجب آن برای یهود داورى می‌کردند و [همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب الله به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند . پس از مردم نترسید و از من [الله] بترسید و آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید و کسانی که به موجب آنچه الله نازل کرده داورى نکرده‌اند آنان خود کافرانند (٤٤)

٤٦- دالله د رحمت خخه نا امیدی کول. سورة يوسف ٨٧ اية

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (٨٧)

ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود (٨٧)

٤٧- دالله نه بغیر نورو د مرستی غوبنتل. سورة المومنین ١١٧ اية

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (١١٧)

و هر کس با الله معبود دیگری بخواند برای آن برهانی نخواهد داشت و حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد در حقیقت کافران رستگار نمی‌شوند (١١٧)

٤٨- خوک چي د اسلام پرمختک بد گني. سورة صافات ٨ اية

يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (٨)

[به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند (٨)

٤٩ - پیغمبران او ملایکو سره دبنمنی کول. سورة بقره ٩٨ اية

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (٩٨)

هر که دشمن الله و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] الله یقیناً دشمن کافران است (٩٨)

۵۰- د الله پیغمبر نه مخ کرخول . سورة مجادله ۴ اية

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيًّا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد . این [حکم] برای آن است که به الله و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود الله ؛ و کافران را عذابی پردرد خواهد بود (۴)

۵۱- لمر ته سجده کول . سورة نمل ۳ اية

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

و [در حقیقت قبلا - ملکه سبا] آنچه غیر از خدا می پرستید مانع [ایمان] او شده بود و او از جمله گروه کافران بود (۴۳)

۵۲- د الله حدودو او د الله احکامو نه انکار کول . سورة مجادله ۴ اية

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيًّا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به الله و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود الله ؛ و کافران را عذابی پردرد خواهد بود (۴)

۵۳- د الله دین پوري مسخري کول. سورة مجادله ۴ اية

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيًّا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پردرد خواهد بود (۴)

۵۴- د مومنانو په طريقې باندې خفه کيدل. سورة توبه ۱۲۰ اية

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِنًا يَعْغِظُ الْكَفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

مردم مدينه و باديه‌نشينان پيرامونشان را نرسد که از [فرمان] پيامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزيزتر از جان او بدانند چرا که هيچ تشنگي و رنج و گرسنگي در راه الله به آنان نرسد و در هيچ مکاني که کافران را به خشم مي‌آورد قدم نمي‌گذارند و از دشمني غنيمتي به دست نمي‌آورند مگر اينکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود زیرا الله پاداش نيکوکاران را ضايع نمی‌کند (۱۲۰)

۵۵- د صاحبوو په طريقې باندې خفه کيدل. سورة فتح ۲۶ اية

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۲۶)

آنگاه که کافران در دلهاي خود تعصب [آن هم] تعصب جاهليت ورزیدند پس الله آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شايسته [اتصاف به] آن بودند و الله همواره بر هر چيزی داناست (۲۶)

۵۶- الله تعالى ته اجزاء او برخي (روزي ، لور ، وغيره) گنل . سورة زخرف ۱ اية

حم (۱)
حاء ميم (۱)

۵۷- سود جائز گنل. سورة بقره ۱۲۷۶ اية

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

الله از (برکت) ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و الله هيچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶)

۵۸- تفرقه اچول چي الله منم او پيغمبر نه منم قران منم او حديث نه منم . سورة النساء ۱۵۰ اية

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (١٥٠)

کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند (١٥٠)

۵۹- بعضی شریعت منل بعضی نه انکار کول یعنی د قران خینی برخی منل او خینی نه منل. سورة بقره ۸۵ آیه

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتِوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٨٥)

[ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می‌رانید و به گناه و تجاوز بر ضد آنان به یکدیگر کمک می‌کنید و اگر به اسارت پیش شما آیند به [دادن] فدیة آنان را آزاد می‌کنید با آنکه [نه تنها کشتن بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید و به پاره‌ای کفر می‌ورزید پس جزای هر کس از شما که چنین کند جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذاب‌ها باز برند و الله از آنچه می‌کنید غافل نیست (٨٥)

۶۰- عقیده د اتحاد او عقیده د حلول ساتل (چی د الله مخلوق او مخلوق الله یو گنل). سورة المائده ۷۲ آیه

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (٧٢)

کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است قطعا کافر شده‌اند و حال آنکه مسیح می‌گفت ای فرزندان اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید که هر کس به الله شرك آورد قطعا الله بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است و برای ستمکاران یاورانی نیست (٧٢)

مدرسه تعلیم القرآن و السنه - جلال آباد

(متن آیات قرآنی و ترجمه‌ها که تعدیلات اندک و ضروری در آن‌ها وارد گردیده ؛ برگرفته شده از « پارس قرآن » میباشد.)

مصرف همین ریاضت و عبادت بودم که به گونه‌ای غیر معمول و به گمانم چند بار به تکرار یک مسیح در گوشه‌های مانتیتورم خود نمایی کرد و ضمن سایر علامات این پرسش را در بر داشت که «آیا خدا وجود دارد؟». در به اصطلاح تفریح؛ سراغ اینکس ایمیل خود رفتم و بالاخره به این مطالب و مناظر برخورد کردم:

به این تصاویر خوب نگاه کنید

آیا خدا وجود دارد

با دلیل و منطق

دوست عزیز؛ احساسات مذهبی رو

کنار بزار؛ نگاه کن؛ آیا خدا هست؟

درینجا لازم است بلا فاصله به این دوست گرامی گفت: که؛ بلی؛ عزیز! خدا وجود دارد؛ چرا که من و تو وجود داریم؛ این دنیا وجود دارد و ثروتی بدان حد وحشتناک در یکسو و فقری درین حد مافوق وحشتناک در دیگر سو وجود دارد. خدا وجود دارد؛ چون در تو چنین احساس و روح وجود دارد و در من نیروی دریافت آن. ولی خدایی که آن قطب و این قطب هر دو تصور میکنند؛ وجود ندارد. خدا به مثابه‌ی آفریدگار و ناموس آفرینش در سلسله‌ی تکامل بشر را از نظامات غریزی که سایر جانوران با آن تنازع بقا میکنند؛ منفک ساخته و او را موجود مختار گردانیده است و اسباب دریافت مزایای این اختیار را عمدتاً در دماغ او خلق و ارزانی نموده است. اکنون اینکه چه پیش می‌آید؛ خدا مسئول آن نیست و ما بیهوده صلاحیت و مسئولیت ارزانی شده به خود را واپس به گردن خدا می‌اندازیم عیناً مانند مامور یا نوکری که کار و مأموریت خود و در حد توان و امکان خود را واپس به گردن آمر و مولای خویش اندازد! فقط باریکی همین جاست و خوشبختانه قرآن این نسبت و تناسب را به درستی اشعار میدارد!



این عکس ها تنها نمونه های کوچکی از واقعیت بسیار
کثیفی است به نام زیستن در نظم کنونی!

(کفر شصت و یکم !)

این عکس ها تنها تکه های کوچکی است از لجن زاری که
نظم و سیستم نابرابر به ما تحمیل کرده اند.

(کفر شصت و دوم !)



سرمایه داری جهانی تنها نیویورک و دبئی نیست !

سرمایه داری جهانی تنها فروشگاه های شیک و رستوران های با کلاس نیست.

سرمایه داری جهانی تنها اوج لذت در کوهستان قدرت نیست!

سرمایه داری جهانی این عکس هاست!

سرمایه داری جهانی را ز روی این عکس ها باید شناخت نه از روی سخنان پر زرق و برق لیبرال دموکراسی!

(کفر شصت و سوم !)



نمی دانم آیا تا انتها این سرنوشت محتوم زندگی بشری
ماست؟

آیا راهی برای تغییر آن وجود دارد؟

من اما همچنان امید دارم و آرمان دارم که بتوان تغییری
داد !

(کفر شصت و چهارم !)



دیگر هیچ چیز برایم مهم نیست!



حقوق بشر کجاست ؟



(تصور نفرمائید ؛ این گاو ؛ که بنی بشر - اشرف مخلوقات -
از مدفوع آن تغذیه میکند ؛ از خود این آفریدهء خداست !
چنین تصویری از آنجا که پوشانیدن و تکذیب حقیقت است ؛
باز هم کفر می باشد - کفر شصت و پنجم !)

دوستان ؛ آیا خدا وجود دارد ؟

هنوز از شوک ناشی از این تصاویر ؛ از این حقیقت های اعظم و ا هول بیرون نشده
بودم که همکارم خبر ها و مطالب روز را در اختیارم گذاشت ؛ در جمع آن ؛ این خبر ها
و تصاویر وجود داشت :

پیشنهاد علمای افغانستان به رئیس جمهور افغانستان

(ویلاگ مبارز و پر غنای همایون) on August 14, 2010 [Homayun](#) Posted By



قوانین سنگسار، قطع اعضای بدن، در افغانستان باید جاری شود



تاریخ کشور ما گواه است که علما و روحانیون افغانستان اکثرا” در جریان بحران های
وطنی، پیوسته کوشیده اند تا که منافع خودی شان مطمح نظر نباشد ؛ صدای خود را
بلند نکنند. (کفر شصت و ششم !)

به گزارش بخش سیاسی شبکه اطلاع رسانی افغانستان ، ۳۵۰ تن از علما که از روز یکشنبه هفته قبل برای گفتگو درباره روند مصالحه با مخالفین در کابل گرد هم آمده بودند، پیشنهادات خود را طی بیانیه ای تقدیم رئیس جمهور نمودند.

در این اعلامیه مهمترین عامل رشد روز افزون طالبان و علت اصلی مخالفت طالبان با دولت، نافذ نبودن قانون شریعت در حکومت بیان شده است . به این معنی که چون قوانین اسلامی در کشور جاری نمی شود، طالبان به جنگ خود به حکم جهاد نگاه می نمایند.

علما در این بیانیه گفته اند که نبود قوانین شرعی و عدم تطبیق حدود اسلامی مانند سنگسار، دره زدن و قطع اعضای بدن در کشور، تاثیر بسیار منفی بر روند صلح ایجاد نموده است و اگر دولت می خواهد طالبان به روند صلح بپیوندند باید هرچه زودتر قوانین شریعت را مانند حکومت عربستان اجرایی نماید .

حالا ببینیم که این به اصطلاح علما و روحانیون ما که اکثراً از سواد سیاسی کم بهره یا بی بهره هستند ؛ چرا امروز صدای خود را کشیده اند تا یکی از بحران های سیاسی جهانی را در منطقه و به خصوص در افغانستان حل و فصل نمایند؟

این عالیشانان در برابر کشتار هموطنان بیگناه مان... ؛ چشم ها، گوش ها و دهان را بسته اند .

اما حالا چه شد که کشف کرده اند که اگر قوانین شریعت در کشور نافذ گردد، آنگاه انگیزه ی جهاد و مقاومت طالبان از بین رفته ، از جنگ دست کشیده و به روند صلح میپیوندند..

آیا علما و روحانیون محترم افغانستان تا هنوز میدانند که این طالبان کی ها اند؟

، چرا دوباره رشد کردند؟

از کجا تمویل میشوند و دساتیر کشتار هموطنان ما را از کجا میگیرند که امروز گویا در برابر همه جهان میجنگند؟

آیا این ملا صاحبان میدانند که طالبان ابزاری در دست خارجی ها برای رسیدن به اهداف ستراتیژیکی در منطقه اند؟ (کفر شصت و هفتم !)

مردم شریف افغانستان و دولتمردان کشور ما باید بدانند که تامین صلح کار ملا ها نیست و ملا ها کوشش نکنند خود، آگاهانه و یا ناخود آگاه در دست عمال خارجی قرار گیرند.



پولداري در کابل، در نزديکي مسجد قلعه فتح الله رستوراني ساخت که در آن موسيقي بود و رقص، و به مشتریان مشروب هم سرويس مي شد. ملاي مسجد هر روز موعظه مي کرد و در پايان موعظه اش دعا مي کرد تا خداوند صاحب رستوران را به قهر و غضب خود گرفتار کند و بلاي آسماني را بر اين رستوران که اخلاق مردم را فاسد مي سازد، وارد کند.

یک ماه از فعاليت رستوران نگذشته بود که رعد و برق و توفان شديد شد و يگانه جايي که خسارت ديد، همين رستوران بود که ديگر به خاکستر تبديل گرديد .

ملاي مسجد روز بعد با غرور و افتخار نخست حمد خدا را بجا آورد و بعد خراب شدن آن خانه فساد را به مردم تبریک گفت و علاوه کرد: اگر مومن از ته دل از خداوند چيزي بخواهد، از درگاه خدا نااميد نمي شود.

اما خوشحالي مومنان و ملاي مسجد دير دوام نکرد. صاحب رستوران به محکمه شکايت کرد و از ملاي مسجد تاوان خسارت خواست.

ملا و مومنان البته چنين ادعايي را نپذيرفتند.

قاضي هر دو طرف را به محکمه خواست و بعد از اين که سخنان دو جانب دعوا را شنيد، گلو صاف کرد و گفت:

نمی دانم چه حکمی بکنم . من سخنان هر دو طرف را شنیدم . از یک سو ملا و مومنانی قرار دارند که به تاثیر دعا و ثنا باور ندارند از سوی دیگر مرد می فروشی که به تاثیر دعا باور دارد...

((از کتاب : " پدران . فرزندان . نوه ها " اثر : پائولو کوئیلو- ارسالی « گوگل گروپ »))

متوجه باشید که اینجا (کفر شصت و هشتم و شصت ونهم!) مطرح میباشد .

از پیشینه زدایی طالبان تا پیشینه سازی عربستان

نویسنده : سید محمد فطرت



تاریخ نشر: ۱ Aug 2010 سایت وزین و پر بار روشنایی

پادشاهی عربستان تا مدت ها از به رسمیت شناختن تاریخ باستانی این کشور سر باز می زد و آن را روزگار بی تاریخی و جاهلیت می شمرد. ذهنیت ها در عربستان سعودی رفته رفته تغییر می کنند. نخستین بار است که رهبران عربستان سعودی می خواهند به جهانیان نشان دهند که کشورشان پیش از اسلام نه تنها گذشته ای داشته، بلکه گذشته ای شکوهمند و پرافتخار داشته است که باید به آن افتخار شود. کم کم زوایای این مطلب آشکار شد که استخبارات پاکستان، عربستان و امارات بیش از آنکه در پی تعالی اسلام باشند چنان که با این شعار سوء استفاده می کنند، در طول حمایت از طالبان، آنان در پی زدودن هویت افغانی و تاریخی افغانها بوده اند، و اندیشه آنان توسط جهانی چون ملاعمرها جامه عمل می پوشیده است..

...عجیب هست در افغانستان دست پرورده های هویت زدا و پیشینه ستیز تربیت می کنند ولی برای خودشان هویت تاریخی و تمدنی چندین هزار ساله درست می کنند. در افغانستان مکاتب دخترانه را آتش می زنند و در عربستان تعداد دانش آموز مکاتب و دانشجوی دختر پوهنتونها، از پسر بیشتر هست. در افغانستان تلویزیون ها را منع می کنند ولی در عربستان جوانان شان در یک سال چندین ماه به کشورهای غرب مسافرت میروند. در افغانستان آنتن های مخابراتی را برچیده و مسافرین بین راه ها را به ظن ارتباط با دولت محلی- که باید بر اساس اندیشه دینی شان ولی امر بدانند- سر می برند ولی در کشورهای عربی همچون امارات و... محل اسکی و تفریح گاهها و عشرت کده ها برای سیاحان خارجی می سازند تا سرمایه خودشان را فرونی بخشند. بن لادن یعنی داماد و مهمان ویژه ملاعمر در افغانستان دین خدا را با کشتن یازده هزار نفر در مزار شریف گسترش می دهد و زیارت سخی شاه اولیا را مظهر شرک و منافی

دین مردم می داند ولی فرزندان و خواهرانش در غرب مشغول نوشیدن انواع شراب می باشد . در افغانستان طالبان، موزه ها و اسناد ملی، کتابخانه ها و آرشیو ها را نابود میکرد ولی در عربستان و پاکستان رویه برعکس جاری هست. نا امنی افغانستان عمل واجب قلمداد می شود تا سرمایه گذاریهای به سمت خارج گریزان شود ولی در کشورهای مهم اسلامی هر نوع برنامه ریزی در جهت تاسیسات سرمایه آور سوق داده می شود .

به این خبر توجه کنید تا این مطلب واضح شود. عربستان سعودی به تازگی نمایشگاهی را دایر کرده با نام « باستانشناسی و تاریخ عربستان سعودی » این نمایشگاه در موزه لوور پاریس برگزار شد، این نخستین بار است که رهبران عربستان سعودی می خواهند به جهانیان نشان دهند که کشورشان پیش از اسلام نه تنها گذشته ای داشته، بلکه گذشته ای شکوهمند داشته است که باید به آن افتخار شود. چه کسی می توانست پیش بینی کند که روزی رهبران عربستان ، تاریخ پیش از اسلام کشورشان را ، که از نظر اسلام سراپا به شرک آلوده است، این چنین بستانند .

نخستین بار است که موزه لوور پاریس نمایشگاهی چنین باشکوه به گذشته باستانی عربستان سعودی اختصاص می دهد . در این نمایشگاه، که روز سه شنبه سیزدهم ژوئیه ۲۰۱۰ با حضور وزیر امور خارجه عربستان سعودی گشایش یافت، آثاری از گذشته پیش از اسلام این کشور به نمایش گذاشته اند که بسیاری از آن ها را تاکنون از عربستان خارج نکرده بودند. « راه های عربستان / باستانشناسی و تاریخ عربستان سعودی »، نامی است که به این نمایشگاه داده است.

امیر سلطان بن سلمان، رئیس کمیسیون آثار باستانی عربستان سعودی، معتقد است که نمایشگاهی مانند نمایشگاه موزه لوور در باره تاریخ عربستان ، می تواند نگاه جهانیان را به کشورش عوض کند. وی می گوید :

افراطیون مذهبی که ربطی به نظام اخلاقی ما ندارند ، فرهنگ و دین ما را به گروگان گرفته اند . و خطاب به غریبان می افزاید:

« ما را به چشم همدستان القاعده ننگرد. چنان نیست که ما بر روی چاه های نفت نشسته باشیم و بس ، ما بر روی چاه های تمدن نیز نشسته ایم . ما را به چشم ثروتمندان بی فرهنگ ننگرد.»

در تاریخ اسلام ، از روزگار عرب پیش از پیامبر زیر عنوان جاهلیت یاد کرده اند. برطبق تاریخی که تاکنون به ما آموخته اند، عرب جاهلی از علم و تمدن بهره ای چندانی نداشت و تنها به آنچه برای جامعه ای بدوی ضروری بود ، می پرداخت. گویا مهم ترین دانش عرب جاهلی شعر بوده است . اما نمایشگاه موزه لوور برای نخستین بار تصویر دیگری از عهد جاهلیت یعنی از روزگار عرب پیش از اسلام به نمایش می گذارد.

به گفته مورّخی فرانسوی، محمد بن سعود، بنیانگذار عربستان، روحانی و هابی جنگاوری در پی اصول مقدّس بود و واعظی در پی شمشیر. پس چه اتفاقی افتاده است که اکنون ملک عبدالله ابن عبدالعزيز آل

سعود ، پادشاه عربستان، به آثار اعرابِ مُشرکِ خدایان پرستِ پیش از اسلام چنین دلبستگی نشان می دهد، اعرابی که پیامبر اسلام بُت هاشان را شکسته بود و آنان را به پرستش الله ، خُدای یگانه، فراخوانده بود.

حقیقت این است که ذهنیت ها در عربستانِ سعودی رفته رفته تغییر می کنند . برگزاری این نمایشگاه بدون همکاریِ فعّالِ رهبرانِ سعودی و ملک عبد الله خادم الحرمين – الگوی عملی ملاعمر و حکمتیار- امکان پذیر نبود.

در سال ۲۰۰۵، دولتِ فرانسه با مَلِک عبدالله قراردادِ همکاریِ فرهنگی بست که در آن، برگزاریِ دو نمایشگاه، یکی در ریاض، پایتختِ عربستان، و دیگری در پاریس، پیش بینی شده بود. در سال ۲۰۰۶، برای نخستین بار نمایشگاهی در ریاض مجموعه ای از هنرهایِ اسلامی به نمایش گذاشت که همه را موزهء لوور در اختیار آن نمایشگاه گذاشته بود.

نمایشگاهِ موزهء لوور در بارهء تاریخِ پیش از اسلام عربستان در چارچوبِ قراردادِ همکاریِ فرهنگیِ دو کشور برگزار می شود. عربستان در پی معرفیِ سابقه تمدنی خویش هست و میخواهد بفهماند که این کشور زادگاهِ پادشاهی هایِ نیرومندی بوده که با امپراتوری هایِ بزرگِ روزگار- از میانرودان (بین النهرین) تا جهانِ مدیترانه - داد و ستد می کردند.

راه هایِ زیارت که امروز به شهرهایِ مقدّس اسلام می انجامند ، بازسازی شدهء راه هایِ کاروانرو گذشته اند. با عبور کالاهایِ بازرگانی از این راه ها ، ایده ها و شیوه هایِ زندگیِ مردمانِ همجوار و گاه دوردست نیز به این سرزمین راه می یافتند.

باری ، سه صد اثری که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته اند ، عربستانی را به بینندگان می شناسانند که تاکنون ناشناخته بود ، عربستانی فرهنگ ساز و در عین حال ، گشوده به فرهنگ هایِ دیگر جهان. آیا می توان امیدوار بود که این کشور دوباره درهایِ خود را به رویِ فرهنگ هایِ دیگر بگشاید؟

رهبرانِ عربستان با ستایشِ تاریخِ پیش از اسلام کشورشان، در واقع، مرزهایِ تاریخیِ میانِ کُفر و اسلام را که شعار می دادند ، فرو می ریزند. اسلام سیاسی تاکنون ویرانگری هایِ بسیاری به بار آورده ، اما به نتایجِ ناخواسته ای نیز انجامیده است. چه کسی می توانست پیش بینی کند که روزی رهبرانِ عربستان، تاریخِ پیش از اسلام کشورشان را ، که از نظر اسلام سراپا به شیرک آلوده است، این چنین بستانند. درواقع، آنان در پیِ ساخت و پرداختِ هویتیِ ملّی برایِ کشور و مردمِ خود هستند. زیرا به تجربه دریافته اند که هرملتی ریشه ی دارد و هر تمدنی نیز پیشینه درخشانی. عراق، ایران، مصر و ... همه ممالک اسلامی از قبل به این نکته واقف شدند در این عربستان با حکومت وهابی که داشت یاد آوریِ پیشینه را شرک و کفر می دانست . (کفر هفتادم !)

اینک عربستان نیز فهمیده انکار پیشینه نشانه بی هویتی یک ملت هست. امروز مصر اهرام فرعونى را نهایت نگهداری کرده و آن را نماد هویت تاریخی خویش می داند و عراق ایوان مداین و فرمانهای حمورابی و... و ایران تخت جمشید و... در این میان طالبان و حزب اسلامی حکمتیار و عمال پاکستان در پی امحای فرهنگ و تمدن افغانستان بوده و به اشکال مختلف به هر میزان که مسلط شود یکی از عواقبش نابودی تاریخ و هویت افغانستان هست.

باری، نمی توان گفت که کشورهای منطقه از اسلام روی بر می گردانند. اما این را می توان گفت که نیروهایی از درون و بیرون، رهبران این کشورها را وامی دارند که بر هویت ملی کشورشان نیز همچون هویت اسلامی پافشاری کنند. این کشورها آشکارا با درفش ملی صف آرایی می کنند، هرچند که بر روی درفش هاشان، « لا اله الا الله ... » نوشته اند....

(ملی گرایی و ملی خواهی - کفر هفتاد و یکم !)

ساخت نماد انگلیسی در کنار کعبه - وب سایت پیام آفتاب



دیگر مسلمان شکل اندیش و فشری بار آورده شده مسلماً

این برج عظیم را تعظیم میکند؟!.....

بی اعتنایی و هابیت به میراث ماندگار اسلامی و اتکا به متخصصان غربی، موجب ساخت نمادی انگلیسی در کنار خانه کعبه شده است.

برپایه این گزارش در مجموعه هتل های ابراج البیت که در کنار خانه کعبه واقع شده است، بی توجهی به معماری اسلامی، سبب شده که یکی از بزرگترین نماد های انگلیسی در کنار خانه خدا در مکه ساخته شود.

این ساختمان که به برج ساعت از مجموعه هتل های ابراج البیت مشهور است، شباهتی انکار نشدنی با برج ساعت "بیگ بن" در لندن دارد.

این در حالی است که ساخت این برج عظیم در کنار خانه خدا با انتقادات زیادی نیز از سوی زائران مواجه شده است، به گونه ای که بسیاری ساخت این بنای عظیم در مجاورت کعبه را بی احترامی به خانه خدا و موجب کاهش توجه زائران به عبادت و دعا می دانند .

(کفر هفتاد و دوم !)

برج "بیگ بن" یکی از نمادهای شهر لندن است که سالانه هزاران نفر گردشگر خارجی نیز از آن بازدید می کنند .

بی توجهی به فرهنگ و تمدن اسلامی و استفاده از متخصصین غربی (تحت تأثیر نشئه پترودالر!) پیش از این نیز موجب بروز مشکلات و رسوخ نمادهای مسیحی و فراماسونری در قلب دنیای اسلام شده بود . به عنوان مثال طراح برج بزرگ دبئی چند سال پس از پایان کار در مصاحبه ای اعلام کرده بود که من بزرگترین صلیب دنیا را در قلب کشورهای اسلامی ساختم .

بر اساس این گزارش، برج بزرگ دبئی در حالی که از سمت خشکی چیزی را مشخص نمی کند ، از سمت دریا همانند یک صلیب به نظر می آید . (کفر هفتاد و سوم !)

دعوت گستاخانه کشیش آمریکایی:

۱۱ سپتامبر روز قرآن سوزی - وب سایت پیام آفتاب

شورای عالی الازهر دعوت کشیش آمریکایی برای تعیین روز ۱۱ سپتامبر آینده به عنوان روز جهانی سوزاندن قرآن و دعوت های متشابه را به شدت محکوم کرده و اعلام کرد این دعوت مشکوک است .

این شورا اعلام کرده است: قرآن کریم در مدت قرون باقی مانده است و تا روز قیامت باقی می ماند .

این شورا با محکومیت شدید سخنان کشیش آمریکایی تأکید کرده است: این دعوت از روی جهل به آیین رحمانی اسلام صورت گرفته است و موجب تحقیر ادیان و رد دیگر ادیان الهی است .

محمد رفاعة الطهطاوي سخنگوی الازهر هم گفت: دکتر احمد الطیب بیانیه ای را صادر کرده اند و از همه کلیساهای مصری و غیر مصری خواسته اند تا این دعوت ها را محکوم کنند .

تیری جونز کشیش افراطی مسیحی چندی پیش از همه آمریکایی ها خواسته است تا در سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر در مقابل کلیسای فلوریدا نسخه هایی از قرآن را آتش بزنند .

(کفر هفتاد و چهارم !)

وی همچنین اسلام و مسلمانان را مسئول حوادث ۱۱ سپتامبر اعلام کرده است.

بدینگونه ما از جای خود شور نخورده ۷۴ گونه کفر یافتیم . البته چند مورد که از یافته های مدرسهء فخریه القرآن و السنه ؛ یا در قرآن یافت نشد و یا به آیاتی برخورد که متناسب نبود ؛ ممکن است ناشی از اغلاط چاپی باشد . لذا شمارهء ۶۰ مورد تردید نیست ولی ۱۴ نوع کفری که مزیداً پیدا شد ، با آیات بالا و سایر آیات قرآن مبین قطعاً تأیید میشوند و اتفاقاً از موارد اشد در کفر هم هستند . هرگاه قرار این باشد که با معیار های مدرسهء فخریه کفر یابی شود ؛ موارد مذکور در همین جا به ۱۰۰ هم میرسد !!!!

البته اگر وارد مذاهب و مسالک و حزب ها و جیش ها و ایدئولوژی های مختلفهء منشعبه از دین اسلام چون اخوان المسلمین ، قادیانت ، استشراق ، بمای برث ، حزب التحریر ، بلالیون ، اسماعیلیه ، بریلویث ، یزیدیه ، وجودیه ، بهود دونه ، فهارس ، جماعت التبلیغ ، دعوت السلفیه ، جماعت اسماعیلیه ، شیعهء امامیه (اثنا عشریه) ، دیوبندیه ، نقشبندیه ، القاعده ، مهدویه ، جمکرانیه ، حجتیه ، تنظیمات الاسلامیه ، احزاب وحدت اسلامیه ، حرکات الطالبانیه و سقوق و شعب لاتعد و لاتفسای همه جریاناتی که تغریب و تشریق و فرنگ و زرننگ و پاکستان و شیخ های عربیه و قریشیه و ساداتیه ... در عالم اسلام و منجمله افغانستان خلق کرده اند و زاد و ولد داده رفته اند ؛ حساب انواع کفر و شرک سر به میلیون ها میزند و در همه جا هم فرض بر این است که صرف « دیگران » اند که مشرک و کافر میشوند ؛ ما خود ؛ فقط به دلیل اینکه کفر کش و کفر دان و کفر خوان و کفر شناس و کفر تراش و (از همه مهمتر) کفرکش هستیم ؛ نمیتوانیم که خود به کفر ی چه خفی ، چه اصغر ، چه اکبر ، چه اضعف و چه اشد آلوده گی پیدا کنیم و اصلاً چنین تصویری در مورد ما اکفر الکفار است !!!

ولی یک نوع کفر بسیار مهم دیگر هست که حضرت شیخ اجل محمد ابن عبدالوهاب پیشوای وهابیون و منجمله قبلهء طلبای الکرام (صلی علیه و سلم تسلیما!) که میفرمایند « خداوند آنقدر که امور را توسط سلطان پیش می برد توسط قرآن نمی برد » کشف فرموده اند و آن این است :
- شرک خفی : گاهی بنده مؤمن در حالی به آن گرفتار میشود که خود نمی داند . چنانکه پیامبر فرموده است : « **الشِّرْکُ فِی هَذِهِ الْاِمَّةِ اخْفِی مِنْ دَبِیْتِ النَّمْلَةِ السُّودَاءِ عَلٰی صِفَاةٍ سُوْدَاءٍ فِی الظُّلْمَةِ اللَّیْلِ** » یعنی : شرک در این امت خفی تر از رفتار مورچهء سیاه بالای سنگ سیاه در تاریکی شب سیاه است . (شناخت ادیان و مذاهب معاصر ؛ به ترجمهء م.ط. عطایی ص ۳۱۰)

البته چون شیخ اجل و اکبر و اعظم و افخم که فرموده اند ؛ مسلماً این ؛ از احادیث پیامبر است و حاجت به کدام سند و ثبوت و جستجوی انطباق آن با قرآن که بدون آنهم مرتبه ای پس از سلطان دارد ؛ نمی باشد .

لذا در هر حال این **(کفر هفتاد و پنجم !)** میباید . و بر حسب آن به تنهایی اصلاً ایمان و اسلامی جز در موجود مرده ؛ (اوف ؛ نشد !) اصلاً جز در خود ذات شیخ ؛ نمیتوان یافت .
فقط در مورد کعبهء شریفه بعضاً تصور میشود که نه تنها ساخت برج عظیم ساعت در « مجموعه هتل های ابراج البیت » یا هتل های آنچنانی کفر اشد است که هر دیشعوری میداند ؛ درون آن ها چه اتفاقاتی می افتد و قرار است بیافتد بلکه اصلاً نخستین ساختمانی که بلند تر از ارتفاع خانهء کعبه در « أم القرى » قامت افراشته کفری بوده است . دقت فرمائید : نمای اصیل

خانه کعبه و دیههء مکه که اسلام بر آنها مبتنی است ؛ چنین بوده است و چنین و یا نزدیک به این می بایستی باشد :



و نه چنین :

